

نامه سر گشاده کمیتہ مرکزی حزب تودہ ایران در بارہ پیش نویس قانون اساسی



دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۰
شنبه ۲ تیر ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

اصلاحات مورد
پیشنهاد حزب تودہ
ایران درباره
پیش نویس
قانون اساسی

در صفحات دیگر میخوانید

چگونه روشی:

اصولی یا پیروزی بخش؟

● وقتی مطمئنیم که هر روش اصولی سر انجام
پیروزی بخش است، چرا با آلودن مشی حزب
به بندهای سیاسی، بدنبال پیروزی آسان و
و گذر ابرویم؟

جهاد برای
سازندگی
قانونمندی تداوم
و تثبیت دستاورد.
های انقلاب است.
صفحه ۶
در آذربایجان هم
باید آزادی برای
همه نیروهای
انقلابی تأمین
گردد.

صفحه ۶
احداث نیروگاه
اتمی یک خیانت
دیگر پهلوی

صفحه ۶
مسلمانان و
ساختمان جامعه
نودرتحاد شوروی

صفحه ۲
آقای شهردار
میانہ! حرف های
شما بسود
امپریالیسم و
ارتجاع است

درست بود؟ آری درست بود لذا
علی رغم مساعی دشمنانش به نتیجه
رسید. لومومبا در مبارزه برای
رهائی کنگو از شر استعمار و
نواستعمار شکست خورد. ولی آیا
سیاست لومومبا در این زمینه
درست بود یا سیاست رقیبان سفلہ
او امثال چومبہ و موبوتو؟ روشن
است که حق با لومومباست. امام
خمینی در مبارزه ۱۵ خرداد
۱۳۴۲ موفقیتی نداشت، شکست
خورد و به تبعید اجباری رفت.
ولی آیا امام خمینی در مبارزه
خود پشاه و کاپیتولاسیون ذبحی
بود؟ آری، ذبحی بود.

حزب تودہ ایران، بنسبہ
خود، در بیکار نابرابر خوشبخت
امپریالیسم و رژیم دست نشانده
باشکست و ناکامی قرین گردید.
حتی اگر همه نسخه های نصیحت
گران دلروز، حزب نوبیکار
بسته میشد، (یعنی نسخه های کسانی
که قتلشان پس از حادثه معجزه
میکند) بازهم در افسر تناسب
نبروند قوا، بسود امپریالیسم و
وارتجاع، حزب ما شانس موفقیت
نداشت. ولی آیا بدین دلیل حزب
مبایست از نبرد عادلانه خود
دست بکشد، زیرا کار درست گویا
کاری است که حتماً و فوراً باید
پیش برود؟ ابتدا و اصلاً

قانون تاریخ است که نیرو
های نو و انقلابی، غالباً در دورهای
اول مبارزات موفق نمی شوند.
بقیه در صفحه ۴

یک اشتباه بنیادی در نزد
حتی اشخاص با حسن نیت وجود
دارد و آن اینست که، «باید روشی
اتخاذ کرد که منجر به موفقیت
شود»، موفقیت و پیروزی، در نزد
بسیاری، محور اساسی در جریان
نقشه بندی عمل است و تنها «ارزش»
معتبری است که معتقدند باید
بدنبال آن رفت. در نظر چنان کسانی
اگر شما شکست خوردید، حتی
اگر کاملاً ذبحی بودید و اصولی
و علمی عمل کرده اید، فاقد هر
گونه فضیلتی هستید. ولی اگر
شما فاتح شدید، حتی اگر آن فتح
را با شیوه های نادر و رذیله های
بدست آورده اید، در خوردن گوشت
مدععی هستید. بهمین جهت
اروپائیان می گویند «پیروزمندان
را محاکمه نمی کنند»، یعنی فقط
شکست خوردگان هستند که باید
محاکمه پس دهند. بهمین جهت
جان کندی می گفت، «شکست پنجم
است، ولی پیروزی هزار پدر
دارد»

ما این طرز قناتوت بورژوا
ما با بنده پیروزی بهر قیمت، را
رد می کنیم، ما بر آنیم که یک
سیاست درست و اصولی، خلقی و
میهن پرستانه اصل است، نه فتح
یا شکست.

دکتر مصدق در جریان
مبارزه دلیرانه خود با کارتل
جها انخواز نفت شکست خورد.
ولی آیا سیاست دکتر مصدق در
ارتباط با ملی کردن صنعت نفت

در دادگاه تهرانی، دژخیم سازمان امنیت:

اسرار همکاری مائوئیست ها باساواک فاش شد

سیروس نیاوندی، رهبر سازمان انقلابی، به خدمت ساواک درآمد
و حالا هم با ایجاد سازمان مائوئیستی شفق سرخ، علیه انقلاب
ایران فعالیت میکند.

انقلابی، را توده ای معرفی کند. دژخیم ساواک،
که خون صدها شهید، از جمله رفیق قهرمان
توده ای پرویز حکمت جو، هنوز بر دستهای
نخسکیده، در قسمتی از سخنان خود گفت،
«تمدادی از اعضای سازمان انقلابی حزب توده
نیز به تهرآن آمده بودند و بعنوان کادر حزبی
فعالیت میکردند...»

«این سخنان» بویژه وقتی چند دقیقه قبل
از آن، درباره نفوذ ساواک در تشکیلات تهرآن
حزب توده ایران اعتراضات جلاوشنیده شده بود،
در اذهان مردمی که با تاریخ سازمانهای سیاسی
ایران آشنائی ندارند، این توهم را بوجود
میاورد که، «سازمان انقلابی» متعلق به حزب
توده ایران است.

ولی همه مبارزان و آشنایان به تاریخ
اخیر ایران میدانند که، سازمان به اصطلاح
انقلابی، یک سازمان
مائوئیستی است و هیچ
ربطی به حزب توده ایران
ندارد، غیر از اینکه

بقیه در صفحه ۵

جلاد معروف ساواک، بهمن نادری پور،
معروف به تهرانی، در ادامه محاکمه خود
در دادگاه انقلاب، از جنایاتهای
مائوئیست ها پرده برداشت و فاش کرد که،
چگونه اشلب رهبران مائوئیست ها تسلیم
ساواک شده اند و در دستگیری مبارزان با
دستگاه جهانی شاه مخلوع همکاری
داشته اند.

تهرانی که سالها دراز مجری دمنشانه
ترین جنایات رژیم آریسامهری بوده، بنا به
تسربیت جلا داده، بی آنکه از مبارزات و
تهرما نهائی فرزندان دلاور خلق ایران، حکمت جوها،
تیزبایها، گل سرخها، کتیرائیها، مفتاحیها
و احمدزادهها حرفی بزند، کوشید تسلیم طلبی
مائوئیستها را بحساب «کمونیست های ایران»
بگذارد و سعی کرد مائوئیست های «سازمان

درباره سالت ۲ برای آنانکه نمیخواهند و یا نمیتوانند اهمیت آن را درک کنند

عده ای از دست به فلان، در ایران درست مانند غرب
بنابر ماهیت و موضع طبقاتی خود یا بعلت عجز از درک
واقعیتها و ضرورتها، در ارزیابی امور و وقایع جهان، عنان
الندیشه بدست اغراض و دشمنیهای سپازند و بگونه ای داوری
می کنند که اگر اثری بر آن مترتب می شود، چه بسا که حاصل
تلاشهای مداوم رجال مسؤول جهان را در زمینه استقرار
صلح و امنیت بیاد می داند.

امر نظام، صلح و همزیستی
بین ملتها آفتد بر برای جهان
اهمیت دارد که حتی فلان شخصیت
جهان سرمایه داری را - البته
بعلت فشار افکار عمومی - به
پذیرش موضعی انعطاف پذیر در
برابر جهان سوسیالیستی ناگزیر
موسازد. این معنی را لئونید ایلچ
برزنف در سخنان خود خطاب به
کارتی چنین بیان کرد:
«هر یک از ما اکنون می داند
که امحاء طرف دیگر از عرصه
زمین ناممکن است». این معنی
راهلموت اشویت صدر اعظم آلمان
فدرال نیز درک می کند، لکن
روزنامه «دی ولت» در همان آلمان
حلموت اشویت، درست مانند روزنامه
مامور یا غیر مسؤولی که در تهرآن
چاپ می شود، رویداد بزرگی چون
امضای پیمان سالت ۲ را بدسکالانه
تلقی می کند یا «دروغ بزرگ»
می نامدش! بقیه در صفحه ۵

بر مزار ۵ شهید توده ای بابل

هزاران توده ای برای مبارزه با امپریالیسم تجدید عهد کردند

● خواهر یکی از شهدا: «تنها با تشکیل جبهه متحد خلق است که می توانیم فرصت طلبان و نفاق
افکنان را از صف خود بیرون کنیم.»

بقیه در صفحه ۴



اسداله روشن، پسر رفیق شهید اسکندر روشن از روزی می گوید که دژخیمان شاه صفوف توده ای ها را به
رگبار مسلسل بستند و نفر را شهید کردند.

قرار داد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

شعر نیاز، شعر ضرورت

(از سراره‌های باستانی تا سرودهای انقلابی کوچکها)

چه خوش‌انسب وقتی که آلدینبه در واژه مناسب خود می‌نشیند و باصطلاح گفنی میشود از آن خوشتر هنگامی است که آن واژه برادریل، هم‌هفتم و دلنشین می‌آید. توده غلیظی را در چنبره سحر محتوای خود میگرد و سپهناک بدان دم است که گفنی عمل کردنی میگردد؛ واژه سوخت ضروری برای بگردش و جنبش و حرکت درآوردن خلق قرار میگیرد برآستی آیا راز اینهمه همیزی و سانسور و هفتان و دهان بسترها و قلم شکستن‌ها در همین تحول و تغییر سخن به عمل نیست؟

تقدیر چگونه همه‌فهم و دلنشین می‌افتد؟ گرچه پاسخ کافی دادن بدین پرسشی ایجاد گوناگونی دارد که سخن را بدرازا می‌کنند، اما نزدیکترین جواب اینست که هرچه گویند به «همه» نزدیکتر باشد، بیشک کلامش مفهومی‌تر است و این نزدیکی اگر بناشناخت آمیخته باشد، کلام همگان است.

جدائی، پیوسته جدائی طبقاتی، نه‌تنها تفاوت‌هایی در زیست و معیشت و مناسبات کاری فرامستان و فرودستان یبار می‌آورد، که حتی مفهوم واحدی را بدو سخن شفه میکند و دیری نمیگذرد که ساکنان یک شهر و کشور و بالاخره جامعه زبان یکدیگر را درک نمی‌کنند، اما دلنشین سخن صفا تمسید و تغییر دارد که جز صداقت و سادگی دستورهای فصاحت و بلاغت و بیج و کتابهای عروضی و قافیه بر است از آنگونه مقدمات برای کار گذاری‌های واژه‌ای در کنار واژه دیگر.

اما آنچه مقصود من در این مقال است داشتن نوعی وزن در کلام و آهنگ قافیه‌ای یا هماهنگی‌های در پایان بندی‌های کلام است که بگویند تاریخ، گمراهی شکننی در مرد ما دارد.

اینک که به نخستین آوازی از پیمانده از سرگذشت خلقتان نگاه می‌افکنیم، در می‌یابیم که آهنگی نبوده اگر اولین ترانه‌های آذربایجان، که اکثریت قریب فارسی دردمت مالده از سده‌های نخستین پس از اسلام (که آنرا هزاره می‌نامیدند) نیز کلماتی ساده و موزون و اغلب کافیه‌اند، که بیشتر با یاری ازخیم و بلاغت و بسر آمیزان و حکمان وقت فرو برخته‌اند و اینهمه با نادر شعرهای موزونی است که در این ایام اخیر در کوچ و بازار شنبه‌ای و برد و دیوار دیده‌ایم.

مثلا ترانه زیر پاسخ شعر شکنجه شده ایست که عمال امیر وقت باو نیز و گشایی اسپهال‌آور خوانده‌اند و در شهر میگرداندنن و شاعر در همین حال مادرشاهرا (بیام سمیه) که به بدنامی شهره بود، باندر احوال خود می‌نمساند:

آب است و نیبست
و نصارت زیب است
و دلبه فر به بی است
و سوسیه روستیست
یا این شعر تلخ و هنر آور راه، که کودکان بلخ بر عیدانه قسری، که از خراسان بهینک ختلان رفته و شکست خورده و باز آمده، میخوانند:

«از ختلان آندیه
ز تو تپه آندیه
آز باره باز آندیه
راختن و زوار آندیه»

آیا برآستی چه بپویی در کار است که پس از هزاران سال، باز مایلز از بزرگ و کوچک با سلاخ همین کلمات می‌افزایم که برانگیزاننده‌اند و سر انجام کار سلاخ

این معنا راه یک اتفاق فرهنگی خلق ما میرد که آن گفنی و بسیار گفنی است که مردم ما لیاقت شعرند و گرچه در گذشته کوشش میکند که آرا تنها کلمه‌گام معنوی و روسی ما ویا همچون غازی برای پنهانده شدن در روزهای شکست و ازواج ما بداند، اما هرروز پیش‌تر که نمایان میشود که شعر یک احتیاج مادی خلق ما بشمار می‌آید، مانند نان و آب و هوا و مسکن و بهداشت قراردهد، آن نبود آرا در زیرفرز رفته‌های اجتماعی مایه سر-شکنجی و بود آرا چون سلاخی جاندار و دشمن‌شکن می‌نشیند.

دران شاهنشاهی، که گوشه‌های فراوان بعل آمد تا شعرنامه آرا بدو هزار و پانصد سال برسانند و حال آنکه بسبب کسنگی‌های این زنجیر پیوسته را در همین تاریخ‌های نخست ساخته نیز می‌توانستیم دید، هیچگاه کلمات با سلطنت شعر، که از زردشت تا نیا و آنگاه از نیا تا شاعران گمنام کوی و برزن، و که اولین اشک‌های انقلابرا روشن کردند، برقیات برخیزد.

با تمیق و بررسی در این چشمه‌های لیزال و جوشنده را چه از نظر شکل و چه از نظر محتوا، بیمه شاعران و گویندگان و همچنین با اغماز فرصت بجامه شناسان مبارز ایران پیشنهاد میکنیم، تا با شعور خوردن در این زلایا و گردآوری و جمع‌بندی این ترانه‌ای از لیاز بر آمده خلق‌السله که لایز و برزبور، اما ضروری، آن دستاوردهای شهنشاهی را با یاد بداد دخوا و حفظ و نگاهداری و غنای فرهنگ و میر به باشد، فراهم آورد و دیگرار چون مانده‌ای در برابر توده بگذارد.

برادر ارتقی
چرا برادر کشی؟
نه خان فراری
نه خان بختیاری
نه سازش سیاسی
نه قانون اساسی
این کار در دیوای
از خاور میانه
اخراج باید گردد...

در بهار آزادی
جای شیدا خالی

بدنبال انتشار مقاله «اسلام و مسلمانان در اتحاد شوروی»، که در شماره ۹، مورخ ۱۳ اردیبهشت روزنامه «مردم» انتشار یافت، عده‌ای از خوانندگان عزیز ما، طی نامه‌های خود به‌هیئت تحریریه «مردم»، تقاضا کرده‌اند که برای روشن شدن بیشتر دقتار عمومی و آگاهی به‌موقع مذهب اسلام و وضع مسلمانان در اتحاد شوروی به انتشار مقالاتی در این زمینه ادامه داده شود. ضمن سپاسگزاری از احسن استقبال خوانندگان «مردم» در انجام تقاضای آنان، به انتشار مقاله دیگری در این زمینه می‌پردازیم.

«مردم»
جمهوری اتحاد شوروی، یعنی جمهوری‌های آسیای میانه و کازخاستان و جمهوری ازبکستان، که اکثریت قریب از آنها مسلمان هستند، به اتفاقنامه آنها مسلمان هستند، تا قبل از انقلاب کبیر سوسالیستی اکثریت از بخشهای عقب‌مانده روسیه تزاری بشمار می‌آمدند، که مورد همه‌گونه استعمار و ستم ملی، در همه زمینهای زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار می‌گرفتند تمیضهای مذهبی هم به این ستم و نابرابری حقوق افزوده میشد.

این تمیضات مذهبی در کار خود کاملاً آزاد است. انتشار این فرامین نقشه‌های دشمنان دولت نوپیدا سوسالیستی را، که میخواهند با استفاده از احساسات مذهبی، پیوسته میان مسلمانان، نسبت بدولت سوسالیستی بدین‌ویژه خصوصیت ایجاد کنند، نقش بر آب کرد. آزادی مذهب، و آزادانچه پیروری از دین اسلام، در تمام قانونهای اساسی اتحاد شوروی، که در سالهای ۱۹۱۸، ۱۹۲۴، ۱۹۳۶ و همچنین آخرین قانون اساسی، که در تاریخ اکتبر ۱۹۷۷، در دسترس درآمده است، در ماده ۵۲ مقررات قانون اساسی جدید اتحاد شوروی، ضمن تصریح آزادی مذهب برانگیزند و در فقره ۲، بسط معتقدات مذهبی، بموجب قانون منع شده است.

مسلمانان ساکن اتحاد شوروی، برخلاف تبلیغات دشمنان نظام سوسالیستی و ضدانقلابیون، مشاهده کردند که نظام سوسالیستی جدید و دولت نوپیدا شوروی نه تنها کوچکترین مخالفت و تضادی با معتقدات مذهبی و انجام فرایض دینی آنها ندارند، بلکه در این مورد هم‌گونه به آنها مساعدت و کمک میکند. آنها مشاهده کردند که هم‌زمان مذهب، صرف‌نظر از تعلق ملی و مذهبی، از دستاوردهای انقلاب سوسالیستی بطور یکسان برخوردارند. بهمین علت همه زحمتکشان، از روس و اوکراینی و تاجیک گرفته تا ازبک و تاتار و ارمنی و آذربایجانی، فضلا در ساختمان نظام سوسالیستی و کمونیستی، با برخورداری از کلیه حقوق ملی و آزادی معتقدات مذهبی خود، شرکت دارند.

همچنانکه در دوران انقلاب و جنگهای داخلی، که پس از پیروزی انقلاب، از جانب ضدانقلابیون و با تحریک و حمایت دول امپریالیستی به‌کفور جوان شوروی عمل کردند، زحمتکشان مسلمان با دل‌های دشمن مشترک یکبار دیگر در

امروز هم زحمتکشان شوروی، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، در جبهه واحد کار و سازندگی به فعالیت خلاق می‌پردازند و در برابر تبلیغات و تحریکات دشمنان نظام سوسالیستی، صفوف متحد خود را پیوسته ز نیرومندتر می‌سازند.

مسلمانان ساکن اتحاد شوروی، برخلاف تبلیغات دشمنان نظام سوسالیستی و ضدانقلابیون، مشاهده کردند که نظام سوسالیستی جدید و دولت نوپیدا شوروی نه تنها کوچکترین مخالفت و تضادی با معتقدات مذهبی و انجام فرایض دینی آنها ندارند، بلکه در این مورد هم‌گونه به آنها مساعدت و کمک میکند. آنها مشاهده کردند که هم‌زمان مذهب، صرف‌نظر از تعلق ملی و مذهبی، از دستاوردهای انقلاب سوسالیستی بطور یکسان برخوردارند. بهمین علت همه زحمتکشان، از روس و اوکراینی و تاجیک گرفته تا ازبک و تاتار و ارمنی و آذربایجانی، فضلا در ساختمان نظام سوسالیستی و کمونیستی، با برخورداری از کلیه حقوق ملی و آزادی معتقدات مذهبی خود، شرکت دارند.

همچنانکه در دوران انقلاب و جنگهای داخلی، که پس از پیروزی انقلاب، از جانب ضدانقلابیون و با تحریک و حمایت دول امپریالیستی به‌کفور جوان شوروی عمل کردند، زحمتکشان مسلمان با دل‌های دشمن مشترک یکبار دیگر در

امروز هم زحمتکشان شوروی، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، در جبهه واحد کار و سازندگی به فعالیت خلاق می‌پردازند و در برابر تبلیغات و تحریکات دشمنان نظام سوسالیستی، صفوف متحد خود را پیوسته ز نیرومندتر می‌سازند.

مسلمانان ساکن اتحاد شوروی، برخلاف تبلیغات دشمنان نظام سوسالیستی و ضدانقلابیون، مشاهده کردند که نظام سوسالیستی جدید و دولت نوپیدا شوروی نه تنها کوچکترین مخالفت و تضادی با معتقدات مذهبی و انجام فرایض دینی آنها ندارند، بلکه در این مورد هم‌گونه به آنها مساعدت و کمک میکند. آنها مشاهده کردند که هم‌زمان مذهب، صرف‌نظر از تعلق ملی و مذهبی، از دستاوردهای انقلاب سوسالیستی بطور یکسان برخوردارند. بهمین علت همه زحمتکشان، از روس و اوکراینی و تاجیک گرفته تا ازبک و تاتار و ارمنی و آذربایجانی، فضلا در ساختمان نظام سوسالیستی و کمونیستی، با برخورداری از کلیه حقوق ملی و آزادی معتقدات مذهبی خود، شرکت دارند.



آقای شهردار میانه!

حرف‌های شما بسود امپریالیسم و ارتجاع است

در حالیکه شما انقلاب هر روز پیروانی از روز پیش، اینجا و آنجا در شهر و روستا و با اختلاط ساز مشغول است، و درست در شرایطی که دشمن برای تضعیف رهبری انقلاب بسیج شده است، کسانی دانسته و ندانسته، سخنانی بر زبان می‌آورند که با هر نیتی که باشد، حاصلی جز ایجاد بدبینی و بی‌اس نسبت به رهبری انقلاب ندارد. این خطر وقتی بیشتر میشود که افراد «مسئول» ناسنجیده این سخنان را بیان کنند.

سخنان شهردار میانه در سه‌دیوار شهرداریان مناطق شمال غرب، که هفته گذشته سرگزارش، از این دست بود. حرف‌های شهردار میانه، که بر رخ‌رو ز نامه‌های بیطرف (۱) هم آنرا با تیر درشت ارائه دادند، چنین بود:

«اختلاف و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

نامه سرگشاده کمیته مرکزی درباره پیش‌نویس قانون اساسی

به ریاست محترم هیات دولت موقت جمهوری اسلامی ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران خرسند است مقدمتا با استحضار عالی برساند که پیش‌نویس طرح قانون اساسی آنچنانکه در مطبوعات انتشار یافته، در خطوط کلی خود خواسته‌های مشروع و حقته مردم ایران را در انعکاس می‌سازد و از این جهت مورد تأیید کمیته مرکزی حزب ما قرار گرفته است.

پیشنهادهایی که در برگیرندهای پوست تقدیم میشود، صرفا مربوط به مسائل عمده‌ای است که بنظر ما تصریح آنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از لحاظ تثبیت دستاوردهای انقلاب و پیشرفت کشور در دوران سازندگی جامعه نوین، نقش موثری ایفا خواهند نمود. بهمین سبب از بسیاری پیشنهادها دست

از دست برداشته شد. در این خصوص، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

دیگری، که بقیده کمیته مرکزی حزب ما چنه فرعی دارند، صرف نظر شده است.

در خانه، کمیته مرکزی حزب توده ایران وظیفه خود میداند که آمادگی خویش را برای شرکت و اداء توضیحات، از جمله در فرقه پیشنهادها اصلاحی دیگر که جنبه فرعی دارند، در هر جلسه‌ای که مسائل مربوط به قانون اساسی را مورد بررسی قرار میدهد، اعلام دارد.

با استحضار عالی برساند که پیش‌نویس طرح قانون اساسی آنچنانکه در مطبوعات انتشار یافته، در خطوط کلی خود خواسته‌های مشروع و حقته مردم ایران را در انعکاس می‌سازد و از این جهت مورد تأیید کمیته مرکزی حزب ما قرار گرفته است.

پیشنهادهایی که در برگیرندهای پوست تقدیم میشود، صرفا مربوط به مسائل عمده‌ای است که بنظر ما تصریح آنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از لحاظ تثبیت دستاوردهای انقلاب و پیشرفت کشور در دوران سازندگی جامعه نوین، نقش موثری ایفا خواهند نمود. بهمین سبب از بسیاری پیشنهادها دست

از دست برداشته شد. در این خصوص، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

«و اختناق و استبداد و همتان هست و نه ما سراسر عوض شده، چون تک‌تک هم‌راه‌ها را حای خود باقی هستند، ما را می‌که عوامل فاسد در درگیری‌های خود هستند و افراد سالم‌جای آنها را نکرده‌اند، هیچ کاری درست نخواهد شد، و اینک خرسند است بر سر قرار داد، و اینک خرسند است و اینک خرسند است»

تحصن کارکنان مستشاری نظامی وابسته به سفارت امریکا

نهاد ۱۲۰ نفر کارکنان مستشاری نظامی وابسته به سفارت امریکا، که در همین ماه گذشته، یعنی در جریان انقلاب بابت تعطیل ادارات وابسته به سفارت امریکا از کار برکنار شده‌اند، دست‌به‌تحصن زده‌اند. آنها طی نامه‌ای برای سفارت امریکا، که رونوشت آنرا به دفتر امام خمینی، نخست‌وزیری، وزارت دفاع ملی و وزارت کار و امور اجتماعی ارسال داشته‌اند، برخی از خواسته‌های خود را بشرح زیرین بیان کرده‌اند:

- پرداخت حقوق معوقه بمدت ۳ ماه
- بازنشستی و بازخرید طبق تقاضای کارکنان و بر اساس آخرین حقوق و مزایا باشد.
- حداقل ۵ سال به سابقه کار برای بازخرید و بازنشستی اضافه شود.
- مرخصی استعلاجی کارکنان جزو سوابق خدمت محسوب شود.

وزارت کار و امور اجتماعی در تأیید خواسته‌های کارکنان مستشاری نظامی، نامه‌ای بوزارت امور خارجه ارسال و توجیه مقامات مستشاری را به نکت زیرین جلب نموده است.

- هرگاه قرارداد استعفا بین آن مستشاری و کارمندان کمتر از قانون و یا متأیر با مواد قانون کار در ایران باشد، اعتبار و ارزش قانونی ندارد.

- پاداش سابقه کار برای هر سال خدمت در موق فسخ قرارداد، معادل ۱۵ روز آخرین حقوق در یافتی کارمند بازا، هر سال کار می‌باشد.

- مزایای خسارت اخراج بر حسب سوابق خدمت و بر اساس رسیدگیهای مراجع صلاحیتدار وزارت کار و امور اجتماعی تعیین و مقدر میگردد.

اخبار کارگری

در جمع رانندگان و کامیونداران

از ساعت ۸ صبح روز شنبه ۱۹ خرداد، حدود ۲۰۰ نفر از رانندگان کامیون‌های بوس و کامیون‌داران، در خیابان استانداری کرمانشاه جهت رسیدگی به وضع یکبارگی خود و دیگران درام یکبارگی تجمع کرده بودند. راننده جوانی می‌گفت: «به‌صورت این انقلاب، با شکوه ملی شده‌اند و این به نفع ملت است. ما هم که از بوز استعمارگران خارجی راحت شویم، برای ما هم کار زودتر ایجاد خواهد شد. اگر صنایع وابسته به خارج هم ملی بشوند، دیگر نوعی نود است و یکبارگی ریشه‌کن خواهد شد.»

راننده دیگری می‌گفت که گویا کامیونداران یکبارگه هرانی هم با تشکیل سندیکا فوراً به خواسته‌های قانونی خود رسیده‌اند. آنها را ترغیب به ایجاد سندیکا می‌کرد. راننده مجرب و همتی، که رنج کار در دوسوشتن هویدا بود، می‌گفت: «دما می‌گویند از وظایف ما یاد بگیرند. برک درخت خوردند و پشت امریکا و فرانسه را به خاک مالیدند. حال هم چین را سرچایش می‌نشانند. ما هم قبول داریم که مردم ویتنام نمونه مقاومتند. دولت هم اگر راست می‌گوید برای ما کار ایجاد کند، اینک به با هم‌مایه‌دارها وام بدهد. آنوقت ما هم با جنگ و دندان با امریکا مبارزه خواهیم کرد. نه اینکه ما بهما بر حسب ضدانقلاب بزند و بخودش دولت بی‌عمل»

قانون حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی، اجتماعی و فرهنگی زنان تقصین میکنند. تأمین برابری حقوق زن و مرد شرط اساسی تحول بنیادی جامعه و ترقی است.

هد پیشنهاد میشود که ذیل اصل ۴۸ پیش‌نویس قانون اساسی درباره انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی، حکم زیرین وارد گردد:

کریسیای نمایندگان مجلس در سطح کشور و شوراهای به نسبت آزادی که بزرگ از سازمانها و احزاب شرکت کنند در انتخابات داده شده است، توزیع میشود.

۶ - پیشنهاد میشود که اصلاحات لازم در طرح قانون اساسی در ارتباط با مسائلی که ذیلا ذکر شده است، انجام گیرد:

۱- هر یک از افراد کشور حق کار کردن دارند و این حق باید بوسیله دولت تأمین گردد. تشکیل اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای چه در سطوح کارگاهی و حرفه‌ای و چه در مقیاس سراسری کشور، حق مسلم کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده است. چگونگی شرکت واقعی اتحادیه‌ها در کلیه اموری که مربوط به فعالیت تولیدی و شرایط کار و زندگی زحمتکشان است، بوسیله قانون و بوسیله تأمین میشود.

همه افراد کشور حق آموختن دارند. آموزش مجالی است، و در حدودی که قانون مین می‌کند، اجباری است. جمهوری اسلامی ایران حق آموزش برابر را برای همگان تأمین میکند و امکان دسترسی همه‌را به آموزش و پرورش، آموزش حرفه‌ای و فرهنگ سازمان میدهد.

داشتن یک مسکن مناسب برای زندگی حق طبیعی افراد کشور است. دولت وظیفه دارد که برای تحقق این امر تدابیر مقتضی اتخاذ نماید، و بر اساس اولویت زحمتکشان روستایی و شهری، تدابیر

عشق به توده

توده‌ای بزرگ!
ای مداوم ای عظیم پر خروش
توده‌ای صبور پر متانت
ای صلابت ای سترگ!

ای تمام قدرت زمین
ای تمام همت زمان
قرنها بدست پر توان تو
واژگونه می‌شوند
ای امید جاودان سخت‌کوش
آه... ای عظیم پاره‌پوش.

شعر من برای تو
و تمام زندگانی
قطره‌ای حقیر
پیش پای تو!

عاشقم به توده‌ها که عشق توده‌ها
شورزنده بودن است
عشق توده‌ها
معنی تمام لحظه‌های بودن است.

شماره ۱۶/۳/۵۸

جهاد برای سازندگی

قانونمندی تداوم و تثبیت دستاوردهای انقلاب است

و اقتصادی و فرهنگی و ادغام ناپسبانی موجب گسترش و افزایش نارضایتی و دلزدگی از اوضاع میگردد، که این خود مساعدترین زمینه را جهت ایجاد فساد و تفرقه و بهره برداری ضدانقلاب فراهم میسازد.

در ضمن در همین مرحله سازندگی است که باید شالوده اقتصاد مستقل و سالم و اصیل ملی و خلقی در تمام ششون فرهنگی کشور پایه‌گذاری گردد.

روشنفکر انجام گیرد. روی سخن امام خمینی در پیام خود خطاب به ملت و فراخوانی به «جهاد برای سازندگی» درست به همین زحمتکشان است. پس سازندگی باید در اساس در جهت حفظ و دفاع از منافع این طبقات و اقتدار و ایجاد تضمین‌های ملی و قانونی این منافع در جامعه باشد زیرا همچنانکه در مرحله نخست انقلاب، اتحاد و شرکت این طبقات و اقتدار محرك اصلی و ضامن پیروزی انقلاب بود، در مرحله سازندگی نیز همین طبقات و اقتدار هستند که با شرکت فعال و خلاق خود، وثیقه موفقیت آن هستند و سنگینی بار سازندگی را هم بدوش میکشند.

که در ظاهر فریبنده و حتی برای برخی از نیروهای صادق، اما نا- آگاه، گمراه کننده است و ماهیتا در خلاف جهت و محتوا و خصلت عمده انقلاب و پیشرفت و تعمیق آنست.

نیروهای هم که در مرحله نخست انقلاب بهر تقدیر ناگزیر شدند هرنگ جماعت شوند و از این مرحله، زبان خود، از کردار خویش ابراز نداشتند، در مرحله سازندگی نیز تعمیق و پیشرفت انقلاب را با نیروی محرك توده‌های خلق، مغایر با منافع خود می‌بینند و در امر سازندگی و تدوین برنامه‌های مشخص در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی تملک می‌ورزند. از سوی دیگر تاخیر و تملک در تدوین برنامه‌های مشخص در همه زمینه‌های سیاسی و

ملت ایران و فراخوانی ملت به «جهاد برای سازندگی» تأکیدی است بر خصلت خلقی انقلاب و نیروهای محرك عمده آن، که توده زحمتکش، یعنی مستضعفین هستند.

امروز بازمانده‌های رژیم سابق و همه نیروهای داخلی و خارجی که در نتیجه پیروزی انقلاب مواضع سیاسی و اقتصادی و پایه‌های خود را از دست داده‌اند و یا ضربات جدی بر مواضعشان وارد آمده است و دیگر نمیتواند با شعارهای «جاوید شاه» و «پشتیبانی از قانون اساسی» عرض اندام کنند، در کمین فرصت مناسب نشسته و با هدفهای خرابکارانه در امر پیشرفت انقلاب، در روز زیر آن شعارها و نظریاتی صف آرایی میکنند

توقف در راه پیشروی روند انقلاب، عملاً بمنزله بازگشت و در معرض خطر قرار گرفتن دستاوردهای انقلاب است. بنابراین منطق و قانونمندی تحریک و پیوستن به انقلاب، مرحله فرو پاشی نظام سیاسی و اقتصادی، مرحله سازندگی را در پی دارد که این مرحله، ضمن تداوم روند انقلابی و تثبیت دستاوردهای آن، انقلاب را گزیند ناپذیر و نهادهای مادی و معنوی آنرا استحکام می‌بخشد و روند انقلابی را بازگشت‌ناپذیر میسازد. بدین ترتیب سرنوشت آینده و حفظ دستاوردهای انقلاب در گرو مرحله سازندگی است و به همین علت است که رهبری انقلاب، امام خمینی، با آگاهی کامل و درک مسئولیت عمیق در قبال اهمیتی که این مرحله از انقلاب در بردارد، در پیام خود خطاب به ملت ایران برای بسیج همه نیروها در این مرحله، بخاطر پیشبرد و به ثمر رساندن انقلاب، ملت را به جهاد برای سازندگی فرا میخواند. در عین حال تأکید امام خمینی در پیام خطاب به

احداث نیروگاه اتمی یک خیانت دیگر پهلوی

کتابخانه «مردم» در حال تشکیل است منتظر کمک شما هستیم

دفتر «مردم» در کار تشکیل يك کتابخانه است تا بتواند تسهیلات لازم را برای کار هیئت تحریریه فراهم آورد.

از اعضاء، هواداران و دوستداران حزب خواهشمندیم به تحقق این امر لازم و مفید کمک کنند.

لطفاً کتبهای اهدائی را از هر نوع و با هر چاپ، به دفتر «مردم» ارسال دارید. اگر تمهید کتب اهدائی زیاد است، نذک بنویسد، دفتر «مردم» ترتیب حمل آنرا خواهد داد. با سپاس «مردم»

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود.

نشانی،
خيابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸،
تلفن،
۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

شده، باز باید ۵ میلیارد دلار دیگر در این راه مصرف شود.

بدر نظر گرفتن تمام این جنبه‌های منفی است که سرپرست سازمان انرژی اتمی ایران میگوید، «با توجه به مسائل ایمنی، اقتصادی، اجتماعی و فنی، تعطیل نیروگاه‌ها به مصلحت و خیر مملکت خواهد بود».

برای تصمیم نهائی دربارهٔ نیروگاه‌های بوشهر، کمسیون بنام «کمسیون عالی انرژی» تشکیل شده است که باید سرنوشت این نیروگاه‌ها را تعیین کند. امید است این کمسیون بدون تن دادن به برخی «مصالح» و موهوبی‌های اقتصادی، بخصوص بادر نظر گرفتن هزینه خرید ۲۰۶ تن اورانیوم، که گفته میشود سالانه ۴۰۰ میلیارد ریال خواهد بود، مسئله این دو نیروگاه را به نفع ایران حل کند.

حزب توده ایران هرگز مخالف بکاربردن تکنیک و تکنولوژی معاصر، از جمله نیروگاه‌های اتمی، بطور کلی نیست، آنچه مهم است، اینست که باید دید در شرایط کنونی، کدام تکنیک و تکنولوژی منافع ایران را بهتر تأمین میکند، بدیهی است زمانیکه نیروگاه‌های اتمی، و یا حتی هسته‌ای، مراحل آزمایش و تکامل خود را طی کردند و استفاده از آنها در شرایط ایران از همه لحاظ مقرون بصره بود، میتوان و باید از آن استفاده کرد.

اتمی اتریش در ایران اعلام کند، - هزینه هر واحد انرژی تولید شده از نیروگاه‌های اتمی، در شرایط ایران، به علت گرانی تأسیسات و ماشین‌آلات و اورانیوم وارداتی، بیش از انرژی تولید شده در سایر نیروگاه‌ها است.

به همین علت است که پس از انقلاب، برنامه ضامن‌ریمی رژیم پهلوی درباره اتمی کردن نیروگاه‌ها کنار گذاشته شد. ولی مسئله ادامه یا قطع ساختمان نا تمام نیروگاه‌های بوشهر، که ۸۰ درصد کارهای آن انجام گرفته هنوز هم از طرف دولت موقت حل نشده است.

عدای بر آنند که حالا که ساختمان این دو نیروگاه در شرف پایان است، برای اینکه هزینه‌های انجام شده به‌در نرود، بهتر است که کار ساختمان آنها ادامه یابد. عده‌ای دیگر، به عللی که در بالا اشاره کردیم، و نیز باین علت که این نیروگاه‌ها به قیمتی لاف‌زد و برابری قیمت‌های بین‌المللی برای ایران تمام خواهد شد، ادامه ساختمان آنها را به صلاح کشور نمیدانند.

این نیز یکی دیگر از اغیانت‌های رژیم پهلوی است که برای غارت بیشتر درآمد کشور، تمام خریدها و مقاطعه‌های دولتی را به قیمت‌هایی بر مراتب بیش از قیمت‌های عادی بین‌المللی انجام میداد.

با اینکه برای ایجاد نیروگاه‌های بوشهر تاکنون ۷/۸ میلیارد دلار مصرف

که بجای مواد انرژی‌زای ارزان و فراوان داخلی، از اورانیوم گران قیمت وارداتی از کشورهای امپریالیستی استفاده کند و سرنوشت خود را بدست‌دول امپریالیستی بسپارد!

ایران بعلم نداشتن کار شناسی در این زمینه، از لحاظ کادر فنی نیز باید وابسته کشورهای امپریالیستی گردد!

- خطرات ناشی از نشت مواد رادیواکتیو، بخصوص در ایران زلزله- خیز، بر مراتب جدی‌تر و محتمل‌تر از سایر کشورها است!

- مسئله آلودگی آب مورد مصرف در نیروگاه‌های اتمی و خطرات ناشی از نشت مایعات اورانیوم جوانب منفی دیگر نیروگاه‌های اتمی را تشکیل میدهد. در مورد آلودگی آب کافی است گفته شود که دو نیروگاه بوشهر، ۶ میلیون متر مکعب آب دریا را آلوده خواهند کرد و لطمات جدی به تخم‌ماهی و میکرودرخلیج فارس وارد خواهند ساخت.

خطرات ناشی از ذرفن پس‌مانده‌های اورانیوم چنان است که دولت اتریش، که در سند ایجاد نیروگاه‌های اتمی بود، برای آرام کردن افکار عمومی، متعهد شد که پس‌مانده‌های آنرا از کشور خارج کند، و فقط عنصر تانم از استخوان‌خیزتکاری نظیر محمدرضا پهلوی میتوانست آلودگی خود را بر ای‌دین پس‌مانده‌های نیروگاه‌های

بازگردداندن دلارهای نفتی به کشورهای امپریالیستی، یکی از سیاست‌های خانانانه رژیم ضد ملی و استبدادی محمدرضا پهلوی بود. در اجرای این سیاست بود که این رژیم تصمیم گرفت تا سال ۱۹۷۴، سالی که منابع مکشوف نفتی با شوه غارتگرانه کنسرسیوم میبایست تقریباً به پایان برسد، چندین نیروگاه اتمی به ظرفیت ۲۳۰۰۰ مگاوات در ایران احداث کند. برای این کار در سال ۱۹۷۵ قرار دادی با آلمان فدرال به منظور ایجاد دو نیروگاه ۱۲۰۰ مگاواتی در بوشهر، به مبلغ ۷/۸ میلیارد دلار و دو نیروگاه دیگر با ظرفیت ۹ میلیارد دلار در اصفهان به امضاء رسید.

این برنامه رژیم از همان آغاز، با وجود تبلیغات وسیع درباره اهمیت و ضرورت و فواید آن، با مخالفت شدید حزب توده ایران و برخی دیگر از محافظ ملی و دموکراتیک، مواجه شد. این مخالفت به دلایل زیر بود:

- در شرایطی که ایران با ذخایر عظیم گاز خود، که به رقم بیش از ۹۰۰ میلیارد متر مکعب بالغ میشود و از این لحاظ مقام دوبرابر جهان دارد (پس از شوروی)، ایجاد نیروگاه‌های اتمی عملی کاملاً غیر مستطقی است. - برای تقذیه نیروگاه‌های اتمی، ایران ناگزیر است

در آذربایجان هم باید آزادی برای همه نیروهای انقلابی تأمین گردد

مقامات و سازمان‌های مسئول در این مهم جلب می‌نمایند و مصرا نه خواستار پایان دادن به اینگونه اعمال ضد انقلابی و تفرقه افکنانه است.

متأسفانه باید خاطر نشان ساخت که مقامات مسئول تاکنون پاسخ مثبت به این خواست قانونی نداده‌اند و هنوز هم آن شرایطی که همه مطبوعات و همه احزاب و گروه‌های سیاسی بتوانند آزادانه به فعالیت خود ادامه دهند و حجت‌الاسلام محمدی به حق خواستار آنند در آذربایجان هم - مانند برخی دیگر از مناطق کشور - بوجود نیامده است.

طبیعی است که مبارزه علیه تسلط انحصاری بر زمینه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی و فنی میتواند به نتیجه مطلوب برسد که در همه جا با شدت و حدت یکسان ادامه یابد.

کشور ما دوران پس‌دشواری را میگذراند. اگر از توطئه‌ها و کارشکنی‌ها جلوگیری بعمل نیاورد عوامل تهدید و اعراب از بین برده نشوند، نمیتوان به وحدت کلمه، که خواست رهبر انقلاب است، نائل آمد و نیروهای انقلابی را در جهت چاره‌اندیشی برای مشکلات عظیم اقتصادی و اجتماعی، که بر سر راه تثبیت و گسترش و تعمیق دستاوردهای انقلاب پیروزمند ایران فراردارد، بسیج کرد.

در اوضاع نظریات خویش سخن بمیان آورد؛ جای آن دارد که برخی از افراد و یا گروه‌هایی که در تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان نه تنها با چماق تکفیر، بلکه با استفاده از شیوه‌های مردودی چون آتش زدن کتاب‌فروشی‌ها، پاره کردن شمارها، اعراب صاحبان چاپخانه‌ها و غیره، به جنگ قلم و اظهار نظر آزاد احزاب و گروه‌های سیاسی میروند، این تذکرات حجت‌الاسلام محمدی را آویزه گوش کنند و رهنمود عمل خویش قرار دهند.

روى سخن ما با آنها ایست که هنوز هم مانع فعالیت گسترده نیروهای ملی و دموکرات آذربایجان هستند و کشتن زبانی به حادده آفرینی دارند.

کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان، در پیسگاه خلیفهای مهین عزیز زمان آران، پیوسته در شرایط کنونی، به وظیفه سنگین و پر مسئولیتی که بر عهده دارد، به خوبی واقف و برای آن ارزش پس و الا قائل است. لذا نظر تمام

حجت‌الاسلام محمدی، دبیر حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران - شعبه تبریز - طی مصاحبه مطبوعاتی روز پنجشنبه ۲۴ خرداد، نظریاتی ارائه داشت که جلب نظر میکند.

وی پس از تذکر اینکه، «از نظر اسلام تمام گروه‌ها و ایده‌ها آزاد هستند، گفت: در قرآن مجید آمده است که مؤمنان افرادی هستند که به سخنان طرف‌گوش فرا میدهند و از بهترین آن پیروی میکنند... حجت‌الاسلام محمدی، که این نظر را در چارچوب برخی مسائل مربوط به آزادی مطبوعات و گروه‌های سیاسی مطرح ساخته بود، سپس افزود: «منظور از آزادی در اسلام چیست؟ اگر آزادی هست، که حتماً هست، همه باید حرف خود را بزنند، حرفی که به وسیله رسانه‌های گروهی پخش میشود، ما هم اگر حرفی داریم از همان رسانه‌ها باید پخش کنیم، با چماق تکفیر که به جنگ قلم نمی‌روند».

آنچه ما از قول رهبر حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران - شعبه تبریز - نقل کردیم، اصولی است که میباید در همه موارد و در همه جا مورد توجه قرار گیرد و بدون کوچکترین استثنائی بویع اجراء گشاده شود. در غیر اینصورت چگونه میتوان از آزادی بیان و قلم و مطبوعات، از آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق